



بررسی راهبردهای ایران و ترکیه در بحران سوریه با استفاده از نظریه بازی‌ها

سهیل امامیان^۱

چکیده

در جهان معاصر، تحولات خاورمیانه از پدیده‌ترین و ژرف‌ترین تحولات در ساختار سیاسی کشورهای منطقه به شمار می‌آید. سوریه نیز به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه درگیر این تحولات بوده است. بحران سوریه یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های جوامع عربی است که با گذشت چندین سال ادامه دارد. ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور منطقه‌ای از ابتدا در این بحران وارد شده و با هدف تغییر نقشه سیاسی و موازنه قدرت در خاورمیانه، سعی بر کنترل سوریه دارند. تلاش در جهت این مهم، آنها را به سمت رقابتی بی‌سابقه مبتنی بر متغیرهای ایدئولوژیکی و هویتی وارد کرده است. ترکیه و ایران از جمله بازیگران منطقه‌ای می‌باشند که رویکرد فعالانه‌ای را در خصوص این تحولات در راستای منافع خود در پیش گرفته‌اند. بحران سوریه برخورد منافع راهبردی ترکیه و ایران را آشکار کرده است. این دو کشور در حال دنبال کردن سیاست‌های مخالف در بحران سوریه هستند. این مقاله به بررسی رابطه علی بین راهبردهای منطقه‌ای ترکیه و ایران به‌عنوان متغیر مستقل و سیاست‌های متناقض این دو کشور در بحران سوریه به‌عنوان متغیر وابسته می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش آن است که نقش منطقه‌ای ترکیه و ایران را با در نظر گرفتن سیاست‌های متضاد این دو کشور با استفاده از نظریه بازی‌ها در بحران سوریه را به‌دست آوریم. در این مقاله با استفاده از مدل‌سازی نظریه بازی‌ها (بازی با مجموع صفر) تجزیه و تحلیل لازم در خصوص راهبردها و سیاست‌های اعمالی از طرف دو کشور که اهداف متضادی در کشور سوریه دارند مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: بحران سوریه؛ خاورمیانه؛ تجزیه و تحلیل نظریه بازی؛ تعادل نش

مقدمه

ترکیه و ایران اهمیت راهبردی قابل توجهی در منطقه خاورمیانه دارند و روابط بین این دو کشور نیز برای منطقه مهم است. در نگاه اول، ثبات نسبی در روابط ترکیه و ایران وجود دارد. با این حال، بحران سوریه منطقه اصلی درگیری بین ترکیه و ایران را تشکیل می‌دهد. (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۳۹) اگرچه ثبات در ادوار گذشته مشخصه روابط ترکیه و ایران است، لذا از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ بحران سوریه نشان داد که منافع راهبردی ترکیه و ایران در منطقه خاورمیانه با یکدیگر در تضاد می‌باشد در این رابطه، دو کشور با داشتن اثرات مخرب بالقوه بر روابط خود، سیاست‌های بحران سوریه را تا حدی دنبال کرده‌اند که سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه بر سرنگونی حکومت بشار اسد متمرکز است، در حالی که ایران منابع خود را صرف کمک به حفظ قدرت بشار اسد می‌کند؛ بنابراین، تجزیه و تحلیل روابط ترکیه و ایران در چارچوب بحران سوریه به یک موضوع مهم تبدیل می‌شود. (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۱-۹۰) در نتیجه، هدف این مقاله بیان جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه و اتخاذ سیاست‌های ایران با در نظر گرفتن سیاست‌های دوگانه برخورد آن‌ها با بحران سوریه در بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ است. جهت انجام این تحقیق، به بررسی رابطه علی بین جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه و سیاست‌های اتخاذ شده ایران به عنوان متغیر مستقل و سیاست‌های برخورد این دو کشور در بحران سوریه به عنوان متغیر وابسته می‌پردازد.

برای انجام چنین تحقیقی، این مطالعه از مدل‌سازی نظریه بازی استفاده می‌کند زیرا اجازه نمایش یک رابطه علت و معلولی به شیوه‌ای سیستماتیک را می‌دهد. از این رو، این مطالعه با روشن کردن دلایل استفاده از مدل‌سازی نظریه بازی، در مورد روش‌شناسی بحث می‌کند. سپس به تحلیل تاریخ روابط ترکیه و ایران می‌پردازد تا دیدگاهی تاریخی به این مطالعه ببخشد و نشان دهد که رقابت بین ترکیه و ایران بر سر برتری منطقه‌ای به دوران عثمانی و صفوی بازمی‌گردد. این مطالعه همچنین سیاست‌های ترکیه و ایران در بحران سوریه را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس این سیاست‌ها، یک مدل نظریه بازی به منظور روشن ساختن رابطه بین جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه و سیاست‌های اتخاذی ایران و سیاست‌های آن‌ها در بحران سوریه ساخته خواهد شد.

روش‌شناسی: مدل‌سازی نظریه بازی

تجزیه و تحلیل اصولی در مطالعه موضوعات پیچیده مانند رابطه بین حالت‌ها مهم است، زیرا اگر کسی تجزیه و تحلیل را به شیوه‌ای غیرسیستماتیک انجام دهد، یک تله ابهام به وجود می‌آید. به‌عنوان مثال، در روابط ترکیه و ایران، هم حوزه‌های همکاری و هم حوزه‌های مشکل‌ساز وجود دارد. این حوزه‌ها از مسائل هسته‌ای گرفته تا انرژی، از تروریسم گرفته تا روابط اقتصادی، از رقابت منطقه‌ای تا بهار عربی و بسیاری موارد دیگر متفاوت هستند. در نتیجه این رابطه پیچیده بین ترکیه و ایران، مشخص کردن علل یک رویداد دشوار است (غائبی محمد رضا، ۱۳۹۵: ۱۱۳-۸۳). مدل‌های نظریه بازی می‌توانند راه حلی برای این مشکل خاص باشند، زیرا به محققان در نشان دادن علت و معلول در روابط کمک می‌کنند. این به دلیل قدرت تحلیلی، سازگاری درونی و درک قیاسی رویکرد نظریه بازی به‌عنوان مدل‌سازی ریاضی است.

بسیاری از محققان نظریه روابط بین‌الملل، نظریه انتخاب عقلانی را به‌عنوان روشی در نظر می‌گیرند که بر اساس درک پوزیتیویستی^۱ از علم به‌جای نظریه روابط بین‌الملل ساخته شده است (Fearon, et. Al, 2002: 52). اگرچه این روش‌شناسی، پیچیدگی و تنوع را در دنیای اجتماعی می‌پذیرد، اما ساده‌سازی را نیز فراهم می‌کند. در این رابطه، طرف‌داران نظریه انتخاب عقلانی، و به‌ویژه رویکرد نظریه بازی، از تلاش برای کشف قوانینی که توضیحات ساختاری مقیاس بزرگ و بسیار پیچیده را ایجاد می‌کنند، اجتناب می‌کنند. در مقابل، آن‌ها تمایل به ایجاد مشاهدات متنی و توضیحات با تمرکز بر موارد فردی به‌جای ساختارها دارند به موازات آن، در سیاست بین‌الملل، نظریه بازی به‌طور کلی تعاملات راهبردی خاص دولت‌ها و پیامدهای آن‌ها را از طریق زبان ریاضیات مورد بررسی قرار می‌دهد (Kurki, et. Al, 2010: 22). بر این اساس، مدل‌های نظریه بازی، به‌عنوان یک ضرورت نظریه انتخاب عقلانی، تابع ساده‌سازی را انجام می‌دهند. تعاملات حالت پیچیده به‌طور سیستماتیک به لطف مدل‌سازی ریاضی ساده شده‌اند و مدل‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند که چه عواملی منجر به چه پیامدهایی می‌شوند. بنابراین، آن‌ها یک استاندارد قابل محاسبه را تشکیل می‌دهند که زبانی را ارائه می‌دهد که از طریق آن یک جامعه علمی می‌تواند ایده‌ها و شاهدها را منتقل کند. این ارتباط پیش‌نیاز هرگونه تحقیق علمی است. علاوه بر این، از طریق

1. positivist

مدل‌سازی نظریه بازی، محققان قادر به نشان دادن جزئیاتی هستند که در پاسخ به سؤالات تحقیق خود مطرح می‌کنند. در اینجا، می‌توان انتقادی را مطرح کرد که مدل‌های نظریه بازی بر روی نقاط خاصی تمرکز می‌کنند و بسیاری از جنبه‌ها یا جزئیات تعاملات را نادیده می‌گیرند. اگرچه این انتقاد عادلانه است، اما ساده‌سازی یک ضرورت است. همان‌طور که (Güner, 2003: 163-180) تأکید می‌کند، توصیف دقیق یا به‌تصویر کشیدن جزئیات که به‌صورت متمرکز ایجاد شده‌اند، پاسخ به سؤالات خاص در مورد تعاملات را نمی‌دهند؛ بنابراین، ارتباط علی مبهم خواهد بود. در این رابطه، عملکرد ساده‌سازی مدل‌ها، مشکل شفاف‌سازی را از بین می‌برد. گذشته از این کارکرد، مدل‌های نظریه بازی با ساده‌سازی شبکه‌های ارتباطی پیچیده به تأیید پیامدهای پیش‌بینی شده کمک می‌کنند. به همین ترتیب، اگر تحلیل نظریه بازی با توضیح قبلی مطابقت داشته باشد، مدل تبدیل به اثبات نظریه بازی آن توضیح، می‌شود (Güner, 2003: 163-180). به‌خاطر سادگی، مدل‌های نظریه بازی به‌طور کلی بر اساس تعاملات راهبردی دو یا چند بازیگر (در صورت امکان) اجرا می‌شوند. هر مدل اصول اولیه نظریه انتخاب عقلانی، مانند فرض عقلانیت را به اشتراک می‌گذارد، اما زمینه‌های کاربردی آن‌ها متفاوت است. در این راستا، مدل‌های نظریه بازی را می‌توان برای هر فعال و هر تعامل راهبردی به کار برد. این یک مزیت رویکرد نظریه بازی نسبت به سایر روش‌ها و نتایج حاصل از ویژگی زمینه‌ای نظریه انتخاب منطقی است. (Sterling, 2006: 5-94) نشان می‌دهد که مدل‌ها می‌توانند به‌منظور مطالعه، هم‌بازیگران خودخواه و هم‌بازیگران از نوع همکار را ساخته و ارائه دهند. علاوه بر این، درحالی‌که اقتصاددانان می‌توانند مدل‌هایی بر اساس افراد و شرکت‌ها بسازند، محققان روابط بین‌الملل می‌توانند تعاملات مردم در بروکراسی‌های دولت را تحلیل کنند.

تا کنون، رویکرد نظریه بازی به‌طور کلی مورد بحث قرار گرفته است. این امر ضروری بود زیرا رویکرد نظریه بازی به‌عنوان روش این مطالعه عمل می‌کند. همان‌طور که در بالا ذکر شد، مدل‌های نظریه بازی می‌توانند روابط علت و معلولی را به‌سادگی و به‌وضوح نشان دهند. با توجه به مزایای روش شناختی آن، این مطالعه از مدل‌سازی نظریه بازی به‌منظور تجزیه و تحلیل روابط ترکیه و ایران استفاده می‌کند. در این رابطه، بحران سوریه یک مورد آزمایشی است زیرا منافع متضاد ترکیه و ایران را آشکار کرده است. از این رو، در ادامه این پژوهش به تحلیل نظریه بازی روابط

ترکیه و ایران اختصاص خواهد یافت. مدل در بخش زیر به شیوه‌ی ساده، شکل راهبردی ۱ ساخته خواهد شد. همان‌طور که (Stengel, 2001: 09) نشان می‌دهد، "یک بازی راهبردی که به آن بازی با شکل نرمال ۲ نیز نامیده می‌شود، نمایشی فشرده از یک بازی است که در آن بازیکنان به طور هم‌زمان استراتژی‌های خود را انتخاب می‌کنند". نتایج بدست آمده در یک جدول با یک سلول برای هر ترکیب استراتژی ارائه می‌گردد.

روابط ترکیه و ایران و مدل بحران سوریه

پس از ارائه مروری بر رویکرد نظری بازی، ادامه این مطالعه به تجزیه و تحلیل رابطه ترکیه و ایران اختصاص خواهد یافت. با این حال، قبل از ادامه تجزیه و تحلیل، مرور تاریخی مختصری از روابط ترکیه و ایران ارائه خواهد شد. این مرور تاریخی ضروری است زیرا تجزیه و تحلیل بر اساس یک دیدگاه تاریخی صورت خواهد گرفت، زیرا رقابت بین ترکیه و ایران برای برتری منطقه‌ای به دوران عثمانی و صفوی بازمی‌گردد. از طریق بحث در مورد رقابت تاریخی بین ترکیه و ایران، راهبردهای متضاد منطقه‌ای دو کشور (متغیر مستقل در این مطالعه) روشن خواهد شد.

مروری بر تاریخچه روابط ترکیه و ایران

ترکیه و ایران دو قدرت مهم در تاریخ خاورمیانه بودند (و باقی ماندند). از دیدگاه تاریخی، ترکیه نشان‌دهنده امپراتوری عثمانی و ایران نشان‌دهنده امپراتوری صفوی است. همان‌طور که تاکید می‌کند، اگرچه سلسله‌های عثمانی و صفوی ریشه ترکی داشتند، به دلیل شکل‌گیری هویت متفاوت آن‌ها در رابطه با چارچوب تشیع و اهل سنت، در داخل منطقه رقیب و دشمن یکدیگر بودند؛ عثمانی‌ها و صفویان درگیری فرقه‌ای مذهبی داشتند. با این حال، با فروپاشی سلسله صفوی و تحکیم سلسله قاجار در ایران، روابط ترکیه و ایران در نیمه دوم قرن هجدهم وارد دوره مثبتی شد. در این دوره، دو طرف با مشکلات خود نیز دست‌وپنجه نرم کردند و تحت فشار فزاینده روسیه و دیگر قدرت‌های اروپایی قرار گرفتند (Keskin, 2009:45-54).

در دوره پس از جنگ جهانی اول، هم ترکیه و هم ایران فرایند تغییر را آغاز کردند. امپراتوری عثمانی از هم پاشید و جمهوری ترکیه تأسیس شد، در حالی که در ایران پهلوی جایگزین قاجارها

1. A strategic form
2. Normal form

شد. در همین حال، سربازان ملی‌گرا و ضد امپریالیستی حاکمان هر دو کشور ترکیه و ایران شدند. در این دوره، ترکیه خلیفه‌گری را لغو کرد، یک جمهوری اعلام کرد و یک حکومت سکولار ایجاد کرد. در عین حال، ایران هم حکومت سلطنتی برقرار کرد. اگرچه این تحولات نشان‌دهنده جهت‌گیری‌های متناقض دولت‌ها است، اما روابط بین این دو در جهت مثبت ادامه دارد (Çetinsaya, 2003:116-132). پس از جنگ جهانی دوم، ترکیه و ایران تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی مشابهی را در مورد حضور نظامی شوروی دریافت کردند. در عین حال، جنبش‌های داخلی تحت حمایت شوروی باعث شدند که ترکیه و ایران سیاست‌های طرف‌دار غرب را دنبال کنند. در طول این دوره، ترکیه و ایران اعضای بنیان‌گذار پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵ بودند (در سال ۱۹۵۹، به سازمان پیمان مرکزی (آسیای مرکزی)^۱ تبدیل شد) تا از نفوذ یا گسترش شوروی به خاورمیانه به‌عنوان بخشی از سیاست مهار آمریکا در جنگ سرد جلوگیری کند (Altunışık, 2010:149-162). علاوه بر این، آن‌ها سازمان همکاری و توسعه منطقه‌ای (RCD)^۲ را به همراه پاکستان تأسیس کردند. بنابراین، ترکیه و ایران به متحدان منطقه‌ای تبدیل شدند. با این حال، جاه‌طلبی‌های شاه برای تبدیل ایران به قدرتی منطقه‌ای و تقویت تسلیحات ایران که با افزایش درآمدهای نفتی در اواسط دهه ۱۹۷۰ تقویت شده بود، موجب ایجاد بدگمانی در ترکیه شد. با این حال، ایران یک کشور طرف‌دار غرب بود و روابط در سطحی خاص تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ ادامه یافت. انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ نقطه عطفی در روابط ایران و ترکیه بود. این یک شوک بزرگ برای ترکیه سکولار بود زیرا همسایه طرف‌دار غرب آن به یک کشور اسلامی تبدیل شد. پس از انقلاب، ترکیه تهدیدی در موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران دید که ادعا می‌کرد هدف صدور انقلاب اسلامی به خارج از کشور را دارد (Larrabee, et. Al, 2013: 22). علاوه بر این، ترکیه ایران را به حمایت از سازمان‌های شبه‌نظامی اسلامی متهم کرد. در عین حال، ترکیه نسبت به روابط ایران با پ ک ک (حزب کارگران کرد / پارتیا کرکارانی کردستان)^۳ سو ظن داشت؛ بنابراین، روابط در اواسط دهه ۱۹۹۰ بدتر شد.

1. Central Treaty Organization (CENTO)
 2. Regional Cooperation and Development
 3. Kurdish Workers Party/Partiya Kerkarani Kurdistan

(McCurdy, 2008:87-106) در طول دهه ۲۰۰۰ پیشرفت های قابل توجهی در روابط ترکیه و ایران حاصل شد. تغییر دیدگاه سیاست خارجی ترکیه با حزب عدالت و توسعه حاکم و درک تهدید مشترک ترکیه و ایران پس از حمله آمریکا به عراق نقش مهمی در این بهبود داشته است. در این دوره، دیدارهای سطح بالایی بین مقامات ترکیه و ایران و رهبران سیاسی وجود داشت (Demiryol, 2013:111-144). علاوه بر این، حجم تجارت در سال ۲۰۱۳ به ۲۱/۹ میلیارد دلار افزایش یافت. علاوه بر این، ترکیه از حق ایران برای توسعه یک برنامه هسته‌ای برای اهداف صلح آمیز در سراسر بحران هسته‌ای ایران حمایت کرد (Sandıklı, et. Al, 2014: 22). با این حال، سخت است که بگوییم این روابط غیر مشکل ساز هستند. برای مثال، هنگامی که ترکیه اعتراضات خود را به تأسیس سیستم دفاع موشکی ناتو در آناتولی شرقی در سال ۲۰۱۱ کاهش داد، ایران انتقادات شدیدی از تصمیم ترکیه کرد. دو کشور همچنین در رقابت بر سر سیاست عراق همگرا نیستند (Jenkins, 2012:65). همان طور که در بالا ذکر شد، اگرچه روابط ترکیه و ایران ثبات دارد، اما هنوز مسائل مشکل ساز وجود دارد. این امر عمدتاً ناشی از راهبردهای متناقض منطقه‌ای ترکیه و ایران است که ریشه در رقابت تاریخی بین دو کشور دارد (Çağatay, 2018:60). این تحلیل را سیاستمداران با عنوان "قدیمی ترین بازی قدرت در خاورمیانه" تأیید می کنند و آن را به عنوان ادامه مبارزه بر سر تسلط منطقه‌ای بین سلاطین عثمانی و شاهان ایران می بینند. جنبش های انقلابی عربی به طور کلی و بحران اخیر سوریه به طور خاص مناطقی هستند که این رقابت به شدت در آن ها رخ می دهد.

مدل نظریه بازی روابط ترکیه و ایران: بازی بحران سوریه:

جنبش های انقلاب عرب که در دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد، تفاوت های موجود در رویکردهای ترکیه و ایران نسبت به خاورمیانه را روشن کرد. در ابتدا، دو کشور از تظاهرات علیه رژیم های استبدادی در خاورمیانه حمایت کردند. با این وجود، سخنرانی های رهبران که حمایت خود را ابراز می کنند، رویکردهای مختلف خود را نشان می دهند. در حالی که رئیس جمهور ایران در آن زمان، محمود احمدی نژاد، تأکید کرد که تظاهرات از انقلاب اسلامی الهام گرفته و انگیزه آن اسلام بوده است، نخست وزیر ترکیه، آر تائیب اردوغان^۱، تظاهرات را به عنوان مبارزه برای آزادی و

1. R. Tayyip Erdoğan

دموکراسی توصیف کرد. هنگامی که جنبش‌های انقلابی به سوریه گسترش یافتند، منافع راهبردی متناقض ترکیه و ایران به‌عنوان گسترش رقابت ترکیه و ایران برای برتری منطقه‌ای ظاهر شد زیرا سوریه اهمیت راهبردی کلیدی هم برای سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه و هم ایران دارد. (بلوچیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶-۷۰)

در این راستا، بقیه این پژوهش شامل یک مدل نظریه بازی است که در چارچوب بحران سوریه با توجه به سیاست‌های ترکیه و ایران ساخته شده است.

به‌منظور ساخت این مدل، ابتدا لازم است که راهبردهای ترکیه و ایران، دو بازیگر این مدل، تعریف شوند. درحالی‌که راهبردهای ترکیه کمک به مخالفان سوریه و عدم کمک به موافقان است، راهبردهای ایران کمک به سوریه و عدم کمک به مخالفان است. این راهبردها از سیاست‌های ترکیه و ایران نسبت به بحران سوریه استنباط می‌شود که در بخش‌های بعدی این مطالعه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مدل مبتنی بر این راهبردها در زیر نشان داده شده است:

جدول 1: نتایج اصول بازی بحران سوریه، نشان‌دادن راهبردها بازیکنان و نتایج

ایران		
کمک نکردن به مخالفان	کمک کردن به بشار اسد	کمک نکردن به بشار اسد
	A	B
ترکیه		
کمک نکردن به مخالفان	C	D

بر اساس راهبردهای ترکیه و ایران، مجموعه‌ای از نتایج ممکن این مدل، با در نظر گرفتن تمام ترکیبات راهبردهایی که بازیکنان می‌توانند انتخاب کنند، به شرح زیر است:

A: ترکیه به مخالفان بشار اسد کمک می‌کند و ایران به موافقان بشار اسد کمک می‌کند. بنابراین بحران تشدید می‌شود.

B: ترکیه به مخالفان کمک می‌کند و ایران به موافقان کمک نمی‌کند؛ بنابراین سرنگونی بشار اسد محتمل‌تر است زیرا هیچ حمایتی دریافت نمی‌کند.

C: ترکیه به مخالفان کمک نمی‌کند اما ایران به موافقان بشار اسد کمک می‌کند؛ بنابراین، بشار اسد به پیروزی مطلق دست می‌یابد، زیرا از مخالفان آن حمایت نمی‌شود.

D: ترکیه به مخالفان کمک نمی‌کند و ایران به موافقان کمک نمی‌کند؛ بنابراین، بحران ادامه دارد. احتمال پیروزی بشار اسد با توجه به منابع مادی و قابلیت‌های عملکرد دولت وی بسیار بیشتر است. با این وجود، برای بشار اسد دستیابی به پیروزی مطلق دشوار است. در این رابطه، این احتمال وجود دارد که مخالفان بتوانند در دولت اظهار نظر کنند.

برای ادامه، لازم است که ترتیب اولویت ترکیه و ایران بر نتایج احتمالی این مدل مشخص شود. در روش فرهنگ نویسی، بازیکن اهداف خود را در یک ترتیب سلسله مراتبی مرتب می‌کند. (Pappalardo, 2008:60) در عین حال، اهداف اولیه و ثانویه ترکیه و ایران باید روشن شوند. این اهداف از سیاست‌های واقعی ترکیه و ایران در سوریه و اهمیت سوریه برای جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه و اتخاذ سیاست‌های ایران ناشی می‌شود. در این رابطه، هدف اصلی ترکیه سرنگونی بشار اسد است. این مطالعه استدلال می‌کند که سیاست خارجی ترکیه در مورد سوریه در حوزه سیاسی طی سال‌های درگیری چگونه بوده است. بر این اساس، ترکیه و سوریه وارد فرایندی شدند که منجر به یکپارچگی اقتصادی و مشارکت راهبردی شد. دو کشور الزامات ویزا را برداشته و شورای همکاری راهبردی سطح بالا را ایجاد کردند. علاوه بر این، آن‌ها همچنین موفق به حل مشکلات مزمن مانند آب و مسئله اسکندریه شدند. در عین حال، حجم تجارت آن‌ها در سال ۲۰۱۰ با کمک تأسیس مناطق آزاد تجاری جدید به ۲,۲۹ میلیارد دلار افزایش یافت (موسسه آمار ترکیه ۱). بر اساس این پیشرفت‌ها، روابط ترکیه و سوریه به عنوان مدلی برای کل منطقه خاورمیانه در نظر گرفته شد. تأثیرات منفی مشکلات مزمن سوریه بر روابط ترکیه با جهان عرب اهمیت سوریه برای ترکیه را تأیید می‌کند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۹-۱۶۵). همان‌طور که پاپ ۲ در سال ۲۰۰۳ تأکید می‌کند، قبل از دهه ۲۰۰۰ "سوریه مانع اصلی ممانعت از پیشرفت ترکیه در جهان عرب بود." در این رابطه، سوریه همیشه دیوار غیرقابل نفوذی بین ترکیه و جهان عرب در طول دوره‌های مشکل‌ساز در روابط خود ایجاد کرده بود تا ترکیه را وادار به دادن امتیاز کند. در چنین محیطی، سوریه راه‌حل مشکلات خود با ترکیه را به عنوان پیش شرط بهبود روابط ترکیه و عرب می‌دانست. احمد داود اوغلو ۳، وزیر امور خارجه ترکیه، بر اهمیت سوریه

1. Turkey Statistics Intitute/b
2. Pope
3. Ahmet Davutoğlu

برای ترکیه و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای آن در کتابش، عمق راهبردی: موقعیت بین‌المللی ترکیه (عمق راهبردی: موقعیت بین‌المللی ترکیه)، تاکید کرد. داود اوغلو در سال ۲۰۰۱ بیان می‌کند که اگرچه ترکیه و سوریه از نظر جغرافیایی به یکدیگر نزدیک هستند، اما دو کشور نمی‌توانند یک محیط تعاونی را تشکیل دهند. این امر تأثیر منفی بر هر دو طرف داشت زیرا ترکیه دروازه‌ای به شمال و غرب برای سوریه است و سوریه دروازه‌ای به جنوب برای ترکیه می‌باشد. بر اساس ایده‌های داود اوغلو، از طریق بهبود روابط با سوریه، ترکیه ممکن است راحت‌تر (و با هزینه کم‌تر) به لبنان، فلسطین، رژیم صهیونیستی، اردن و کل منطقه خاورمیانه برسد. در همین راستا، روابط ترکیه و سوریه بر اساس اعتماد متقابل و سود در دهه گذشته به ترکیه کمک کرده است تا نقش مؤثری در فرایند صلح خاورمیانه ایفا کند. ترکیه واسطه بین سوریه و رژیم صهیونیستی بود و نقش واسطه‌ای بین عراق و سوریه و عربستان سعودی و سوریه را بازی می‌کرد (Miş, 2007:402). در این سال‌ها نقش میانجی ترکیه نه تنها نشان داده شد بلکه ارزش و اعتبار دیپلماتیک ترکیه را در منطقه خاورمیانه تقویت کرد؛ بنابراین، ترکیه به جای اینکه کشوری منفعل باشد و موقعیت خود را با توجه به تحولات منطقه تعیین کند، کشور "حل‌کننده مشکلات" نامیده شده و به امنیت و ثبات منطقه کمک می‌کند. این تصویر از ترکیه با وقوع بحران سوریه در چارچوب جنبش‌های انقلابی عرب تهدید شد. علاوه بر این، وقوع بحران سوریه نه تنها خطرات از دست دادن منافع ده سال گذشته روابط مثبت با سوریه را در بر داشت بلکه کل سیاست خاورمیانه ترکیه را نیز مختل کرد. در چنین فضای پرمخاطره‌ای، ترکیه با دو گزینه در رابطه با بحران سوریه روبرو بود: حمایت از دولت بشار اسد که از زور علیه تظاهرات استفاده می‌کرد، یا حمایت از مخالفان در سوریه. در نتیجه، ترکیه گزینه دوم را انتخاب کرد (NBC News 2011).

از طریق این انتخاب، ترکیه قصد داشت که تصویر روبه‌رشد خود را به‌عنوان یک کشور دموکراتیک در برابر مردم خاورمیانه حفظ کند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۹-۱۶۵). علاوه بر این، امیدوار بود که با دولتهای جدید بهتر از دوران دیکتاتورهای مخلوع رفتار کند. علاوه بر این همان‌طور که محمد (۲۰۱۱: ۹۱) می‌گوید، رد درخواست اصلاحات ترکیه توسط بشار اسد در سوریه دلیل دیگری برای حمایت ترکیه از مخالفان بود. در واقع، ترکیه از بشار اسد خواست تا

اصلاحات را انجام دهد و انتخابات را برگزار کند. با این حال، بشار اسد تصمیم گرفت تا از اقدامات خشونت آمیز برای سرکوب تظاهرات در سوریه استفاده کند. در نتیجه، ترکیه به مخالفان تکیه کرد تا روابط خود را با سوریه آینده توسعه دهد. بر این اساس، ترکیه سیاست‌های خود را به موازات هدف سرنگونی بشار اسد تعیین می‌کند. ترکیه میزبان پناهندگان سوری در قلمرو خود است و به مخالفان اجازه می‌دهد تا خود را در داخل مرزهای خود سازماندهی کنند. هدف اصلی ترکیه زمانی استوار است که اهمیت سوریه برای ترکیه و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای آن که متکی بر سرنگونی بشار اسد است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در واقع، این هدف اغلب توسط مقامات عالی‌رتبه ترکیه اعلام می‌شود. به عنوان مثال، داود اوغلو نشان داد که ایجاد ثبات و اعتماد در خاورمیانه بستگی به سقوط بشار اسد دارد (Kardaş, 2012:2). در این رابطه، ترکیه نتایج A و B را بر C و D ترجیح خواهد داد، زیرا برای بشار اسد امکان پیروزی بر مخالفان در C و D وجود دارد؛ بنابراین ترتیب اولویت ترکیه به صورت زیر می‌باشد.

$$\{D, C\} < \{B, A\}$$

در چنین نظامی، کمک به مخالفان، استراتژی غالب برای ترکیه است.

برخلاف موضع ترکیه، هدف اصلی ایران حفظ قدرت بشار اسد است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران که از تظاهرات قبل از شروع بحران سوریه حمایت کرده بودند، تظاهرات در سوریه را توطئه ایالات متحده آمریکا و صهیونیست‌ها دانستند و حمایت ایران از بشار اسد را اعلام کردند. به موازات اظهارات حکیمانه رهبران انقلاب اسلامی ایران، ایران از بشار اسد حمایت معنوی و مادی می‌کند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۹-۱۶۵).

دلایل حمایت ایران از بشار اسد متفاوت است، انگیزه اصلی به سیاست‌های منطقه‌ای ایران مربوط می‌شود. اول، سوریه و در نتیجه بشار اسد وفادارترین و قابل اعتمادترین متحد برای ایران در منطقه بوده است. پس از انقلاب اسلامی، سوریه اولین کشور عربی بود که دولت موقت را در ایران به رسمیت شناخت. علاوه بر این، سوریه در جنگ ایران و عراق بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ از ایران حمایت دیپلماتیک و نظامی کرد. پس از آن، سوریه و ایران تعدادی توافقنامه نفتی، تجاری و نظامی امضا کردند که روابط آن‌ها را حتی نزدیک‌تر هم کرد. این دو کشور توانسته‌اند از طریق اتحاد خود، نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند؛ بنابراین، ادامه حکومت بشار اسد به

معنای ادامه محور سوریه - ایران در منطقه است. دوم، بشار اسد دارای هویت علوی است. ایران این را به عنوان یک ائتلاف شیعه (یا جهاد شیعه) در منطقه در نظر می‌گیرد که برای شیعیان اهمیت دارد. آنجا که مخالفان در سوریه عمدتاً از سنی‌ها و وهابی تشکیل شده‌اند، ایران بحران سوریه را کشمکش بین تشیع و سنی مذهب‌ان افراطی می‌داند. از این رو، شکست حکومت بشار اسد ممکن است به نفوذ ایران در منطقه با توجه به جمعیت شیعه آسیب برساند. از طریق این هلال، ایران قادر به اعمال نفوذ خود در منطقه خاورمیانه با حفظ کنترل و ارتباط نزدیک با جمعیت شیعه می‌باشد. استدلال سوم حمایت ایران از بشار اسد این واقعیت است که سوریه به عنوان راهی برای رسیدن ایران به سازمان‌هایی مانند حماس در فلسطین و حزب‌الله در لبنان برای مبارزه علیه رژیم صهیونیستی عمل می‌کند (بلوچیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶-۷۰). از این طریق، قابلیت مانور راهبردی ایران در منطقه افزایش می‌یابد. ایران همچنین سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی عظیمی در سوریه دارد. ایران یک کارخانه خودروسازی در سوریه تأسیس کرده است تا قبل از شروع جنگ داخلی، ۴۰٪ تقاضای خودرو در این کشور را برآورده سازد. علاوه بر این، اتوبوس‌های موجود در دمشق از ایران وارد شده‌اند. ایران همچنین بودجه اولین نیروگاه بخش خصوصی و مساجد متعدد در اطراف سوریه را تأمین کرده است. سقوط حکومت بشار اسد به این سرمایه‌گذاری‌ها آسیب خواهد زد و قابلیت مانور ایران در منطقه را محدود خواهد کرد؛ بنابراین، ادامه حکومت بشار اسد یک امر وجودی برای ایران است و اولویت دارد. این اولویت پیش‌ازین توسط رهبر ایران، ذکر شده بود که گفت ایران حمایت کامل و نامحدود از سوریه را خواهد کرد و سرنگونی بشار اسد خط قرمزی برای آن‌ها است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۱-۹۰).

در این راستا، ایران نتایج C و D را به A و B ترجیح خواهد داد زیرا در نتیجه A و B بشار اسد سرنگون می‌شود یا بحران تشدید می‌شود. بدیهی است که سرنگونی بشار اسد ناخوشایندترین نتیجه برای ایران است. علاوه بر این، تشدید بحران باعث ایجاد عدم اطمینان در آینده سوریه می‌شود. در عین حال، بشار اسد پیروزی مطلق به دست می‌آورد. در نتیجه می‌توان اینگونه تحلیل کرد، با برخی از تأثیرات مخالفان در نتایج C و D در قدرت باقی می‌ماند. D با اهداف اولیه ایران مطابقت دارد. در نتیجه ترتیب اولویت ایران به صورت زیر می‌باشد.

$$\{B, A\} < \{D, C\}$$

همچنین شناسایی اهداف ثانویه ترکیه و ایران به منظور نشان دادن ترتیب اولویت کامل آن‌ها ضروری است. در این رابطه، هدف دوم ترکیه جلوگیری از شکست کامل مخالفان است، چرا که پیروزی مطلق حکومت بشار اسد امید ترکیه به داشتن روابط خوب با سوریه را از بین خواهد برد که از پیگیری سیاست‌های مؤثر ترکیه در خاورمیانه جلوگیری خواهد کرد. بر این اساس، بهترین نتیجه برای ترکیه نتیجه B است که در آن ترکیه به مخالفان کمک می‌کند و ایران به بشار اسد کمک نمی‌کند. از این رو، مخالفان ممکن است بر حکومت بشار اسد پیروز شوند. در نتیجه، ترکیه نتیجه B را به نتیجه A ترجیح می‌دهد که بهترین نتیجه بعدی است.

علاوه بر این، ترکیه نتیجه D را به نتیجه C ترجیح می‌دهد زیرا نتیجه C به شکست مطلق مخالفان اشاره دارد در حالی که نتیجه D نشان می‌دهد که مخالفان ممکن است در دولت شرکت کنند حتی اگر بشار اسد پیروز شود. در این رابطه، نتیجه C بدترین نتیجه و نتیجه D بدترین نتیجه بعدی برای ترکیه است. بر این اساس، ترتیب اولویت ترکیه با نتایج به شرح زیر است:

مرتب‌سازی اولویت ترکیه

$$C < D < A < B$$

۱-۲-۳-۴

هدف دوم ایران جلوگیری از حمایت ترکیه از مخالفان است. مقامات ایرانی پیش از این ترکیه را به حمایت از مخالفان و انتقاد به این دلیل متهم کرده‌اند. برای مثال، وحید احمدی، رئیس کمیته سیاست خارجی مجلس ایران، ترکیه را متهم کرد که به دلیل سیاست‌هایش در بحران سوریه دست‌نشانده غرب است. علاوه بر این، سرلشگر حسن فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران، از نگرش منفی ترکیه نسبت به بشار اسد انتقاد کرد (بلوچیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶-۷۰). بر این اساس، بهترین نتیجه برای ایران نتیجه C است که در آن ترکیه به مخالفان کمک نمی‌کند و ایران به بشار اسد کمک می‌کند، در نتیجه پیروزی قطعی برای سوریه را تضمین می‌کند. در نتیجه، ایران نتیجه C را به نتیجه D که بهترین نتیجه بعدی برای ایران است، ترجیح می‌دهد. این امر ممکن است به این دلیل رخ دهد که بخش‌های مخالف دولت احتمالاً موضع منفی در برابر ایران خواهند گرفت زیرا به حکومت بشار اسد در جنگ داخلی کمک کرده است. به طور مشابه، ایران نتیجه A را به نتیجه B ترجیح می‌دهد، زیرا عدم اطمینان از آینده سوریه بر شکست کامل بشار اسد

ترجیح دارد؛ بنابراین، نتیجه B بدترین نتیجه و نتیجه A بدترین نتیجه بعدی است. در چنین شرایطی، کمک به بشار اسد استراتژی غالب برای ایران است. ترتیب اولویت ایران با نتایج به شرح زیر است:

مرتب‌سازی اولویت ایران

$$B < A < D < C$$

$$۴-۳-۲-۱$$

بر اساس ترتیب اولویت‌های ترکیه و ایران و نتایج آن‌ها، مدل موجود به شرح زیر است:

جدول 2: ماتریس بازی بحران سوریه از بازده بازیکنان تشکیل شده است

ایران		
کمک نکردن به مخالفان	کمک کردن به بشار اسد	کمک نکردن به بشار اسد
	3, 2 (x1, y1)	4, 1 (x2, y2)
ترکیه		
کمک نکردن به مخالفان	1, 4 (x3, y3)	2, 3 (x4, y4)

به عنوان یک نکته مهم، تعامل راهبردی بین ترکیه و ایران در زمینه بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ و ۲۰۲۰، تصویری از بازی مجموع صفر را ارائه داد، که در آن سود یک طرف از دست‌دادن طرف دیگر است. سیاست‌ها و اهداف اولیه و ثانویه ترکیه و ایران این تصویر را تأیید می‌کنند. این تحلیل به این دلیل است که در حالی که ترکیه سیاست‌های منطقه‌ای و سوری خود را باهدف سرنگونی بشار اسد ایجاد کرده است، ایران استراتژی‌هایی را برای ادامه حکومت بشار اسد دنبال نموده. در چنین وضعیتی، به نظر می‌رسد که به‌دست آوردن یک طرف به معنای از دست‌دادن طرف دیگر است؛ بنابراین، این یک بازی با مجموع صفر است.

از آنجا که تعامل راهبردی بین ترکیه و ایران به یک بازی با مجموع صفر تبدیل می‌شود، وضعیت مجموع صفر باید در بازی اعمال شود. اول، حساسیت‌های بازیکنان نسبت به بهره‌نسی باید شناسایی شود. در بازی‌های مجموع صفر، حساسیت‌ها در بالاترین سطح قرار دارند زیرا بهره یک طرف به معنای از دست‌دادن طرف دیگر است. نماد افزایش نسبی سطح حساسیت Γ است. Γ باید بین $0 \leq \Gamma \leq 1$ باشد. Γ برابر است با یک در بالاترین سطح حساسیت و صفر زمانی است که حساسیت وجود ندارد (به این معنی است که بازیکنان به جای سود نسبی به سود مطلق اهمیت

می‌دهند). در این رابطه، مقدار I به سطح حساسیت بستگی دارد. این مقدار با کاهش حساسیت کاهش می‌یابد و با افزایش حساسیت افزایش می‌یابد.

I برابر ۱ در بازی بحران سوریه بین ترکیه و ایران است زیرا حساسیت آن‌ها نسبت به دستاوردهای نسبی در بالاترین سطح در نتیجه وضعیت مجموع صفر در تعامل راهبردی آن‌ها قرار دارد. تأثیر بالاترین دستاوردهای نسبی حساسیت در زیر نشان داده شده است:

جدول 3: رابطه مجموع صفر در بازی بحران سوریه

ایران		
کمک نکردن به مخالفان	کمک کردن به بشار اسد	کمک نکردن به بشار اسد
	$x1 - ry1, y1 - rx1$	$x2 - ry2, y2 - rx2$
ترکیه		
کمک نکردن به مخالفان	$x3 - ry3, y3 - rx3$	$x4 - ry4, y4 - rx4$

جدول 4: بکارگیری رابطه مجموع صفر در بازی بحران سوریه

ایران		
کمک نکردن به مخالفان	کمک کردن به بشار اسد	کمک نکردن به بشار اسد
	$3-1*2, 2-1*3$	$4-1*1, 1-1*4$
ترکیه		
کمک نکردن به مخالفان	$1-1*4, 4-1*1$	$2-1*3, 3-1*2$

وقتی فرایند تکمیل شد،

جدول 5: پرداخت‌های بازیکنان تحت رابطه مجموع صفر

ایران		
کمک نکردن به مخالفان	کمک کردن به بشار اسد	کمک نکردن به بشار اسد
	$1, -1$	$3, -3$
	تعادل نش	
ترکیه		
کمک نکردن به مخالفان	$-3, 3$	$-1, 1$

تجزیه و تحلیل

مدل بالا نشان می‌دهد که ایران با انتخاب کمک کردن به بشار اسد بدون در نظر گرفتن راهبردهای ترکیه به نتایج بهتری دست می‌یابد. ایران در مقابل راهبرد ترکیه کمک به مخالفان به جای 3-، 1- و در مقابل، راهبرد کمک نکردن به مخالفان توسط ترکیه با انتخاب کمک به بشار اسد 3 به جای 1 می‌گیرد. به طور مشابه، ترکیه با انتخاب کمک به مخالفان بدون توجه به استراتژی‌های ایران، به نتایج بهتری دست می‌یابد در این راستا، ترکیه به جای 3 در مقابل استراتژی ایران که به بشار اسد کمک می‌کند، 1 امتیاز و به جای 1- در مقابل استراتژی ایران که با کمک به مخالفان به بشار اسد کمک نمی‌کند، 3- امتیاز کسب می‌کند. بر این اساس، ترکیه و ایران استراتژی‌های کمک به مخالفان و کمک به بشار اسد را به کار می‌گیرند. تعادل استراتژی غالب و تعادل نش در مدل در نتیجه A پدیدار می‌شوند. در این مرحله، ترکیه و ایران انگیزه‌ای برای تغییر استراتژی‌های خود ندارند. این بدان معنی است، در حالی که ترکیه بهترین نتیجه بعدی را به دست می‌آورد، که ایران پایبند راهبردهای خود نباشد و در حالی که ایران بهترین نتیجه بعدی را به دست می‌آورد، که ترکیه پایبند راهبردهای خود نباشد. این نتیجه را میتوان از سیاست‌ها، سخنرانی‌های تصمیم‌گیرندگان در سال‌های اخیر هم به دست آورد.

تعادل در این مدل مربوط به شرایط واقعی ترکیه و ایران در بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ است. در این راستا، با انعکاس وضعیت موجود در بحران سوریه بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۰، تعادل در نهایت اتفاق می‌افتد. می‌توان گفت که این وضعیت هنوز هم در جریان بحران سوریه در سال ۲۰۲۱ وجود دارد؛ بنابراین، این را می‌توان به عنوان تأیید منطقی که مدل بر روی آن ایجاد شده است، استنباط کرد. منطق این است که در زمینه بحران سوریه، ترکیه و ایران سناریوهای مختلفی را می‌خواهند که نشان‌دهنده راهبردهای متناقض آن‌ها در خاورمیانه است. بر این اساس، ترکیه به مخالفان کمک می‌کند و ایران از بشار اسد در سوریه حمایت می‌کند. بر اساس این مدل، ترکیه و ایران هر دو آگاه هستند که اگر استراتژی‌های خود را از کمک به عدم کمک تغییر دهند، طرف دیگر در موقعیت سودمندی قرار خواهد گرفت که عواقب زیان‌آوری برای اهداف منطقه‌ای آن‌ها خواهد داشت؛ بنابراین، نباید انتظار تغییر در استراتژی‌های ترکیه و

ایران در مورد سیاست‌های آن‌ها در سوریه را داشت. چنین تغییری ممکن است در صورتی رخ دهد که آینده سوریه به موضوعی بااهمیت کم‌تر برای اهداف منطقه‌ای ترکیه و ایران تبدیل شود. بااین حال، به نظر می‌رسد که این احتمال وجود دارد. علاوه بر این، چنین تغییری ممکن است در صورتی رخ دهد که یک پویایی جدید در بحران سوریه پدیدار شود که پتانسیل تأثیرگذاری بر ترکیه یا اولویت‌های ایران در بحران را داشته باشد. واضح است که چنین پویایی به‌ویژه برای ترکیه زمانی که ایالات متحده آمریکا، متحد ناتو ترکیه، تصمیم گرفته است تا خود را با پک ک، یک سازمان تروریستی که ترکیه را هدف قرار می‌دهد، متحد کند، پدیدآمده است. در نتیجه، ترکیه مذاکرات آستانه با روسیه و ایران را آغاز کرد. بااین حال، در سطح رهبران، ترکیه و ایران از استراتژی‌های خود در بحران سوریه عقب‌نشینی نکرده‌اند و به مخالفان و کمک به بشار اسد حتی اگر روند آستانه ادامه داشته باشد، کمک کرده‌اند. این امر به این دلیل است که اگر اهداف ایران در سوریه تحقق یابد، مرزهای جنوبی ترکیه ممکن است تحت کنترل ایران باشد. برای ایران، اگر اهداف ترکیه در سوریه غالب شود، توانایی مانور ایران در منطقه ممکن است به طور چشمگیری کاهش یابد. علاوه بر این، ایران ممکن است وفادارترین متحد خود را در منطقه از دست بدهد؛ بنابراین، همان‌طور که این مدل نیز نشان می‌دهد، به دلیل شرایط حاد در منطقه خاورمیانه بیان این مسئله دشوار است که ترکیه و ایران استراتژی‌های خود را در بحران سوریه تغییر دهند.

نتیجه‌گیری

این مطالعه رابطه ترکیه و ایران را در چارچوب رویکرد نظریه بازی تحلیل می‌کند. تجزیه و تحلیل مشابهی را می‌توان از طریق یک روش دیگر بر روی همان موضوع انجام داد. بااین حال، در ابتدا، رویکرد نظریه بازی به‌عنوان روش شناسی در این مطالعه به کار گرفته می‌شود زیرا به ظهور روابط علت و معلولی به شیوه‌ای سیستماتیک کمک می‌کند. دوم، نتایج به‌دست‌آمده را می‌توان در زمان تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق مدل‌ها، امتحان و اثبات کرد؛ بنابراین، راهبردهای ترکیه و ایران در بحران سوریه در مدلی به نام بازی بحران سوریه تحلیل می‌شود تا رابطه علی بین راهبردهای منطقه‌ای ترکیه و ایران، به‌عنوان متغیر مستقل و سیاست‌های برخورد این دو کشور در

سوریه، به‌عنوان متغیر وابسته بررسی شود. از آنجا که سوریه اهمیت راهبردی قابل توجهی برای هر دو کشور ترکیه و ایران در خاورمیانه دارد، این دو کشور سیاست‌های متفاوت را در بحران سوریه اجرا می‌کنند. این منافع به‌خصوص بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ تعامل راهبردی بین ترکیه و ایران در زمینه بحران سوریه را به یک بازی با مجموع صفر تبدیل کرده است. به‌عبارت‌دیگر، به‌دست آوردن یک طرف به ازدست‌دادن طرف دیگر تبدیل می‌شود. این مدل در این مطالعه به موازات این تعامل راهبردی بین دو کشور و اهداف آن‌ها ایجاد شده است که از طریق طرح‌های منطقه‌ای، روابط تاریخی و سخنان مقامات عالی رتبه آن‌ها دیده می‌شود. در نتیجه، این مدل رابطه علی بین راهبردهای منطقه‌ای ترکیه و ایران و سیاست‌های متناقض این دو کشور در سوریه را تأیید می‌کند.

تبادل در این مدل نشان می‌دهد که ترکیه به مخالفان در سوریه کمک می‌کند در حالی که ایران به بشار اسد کمک می‌کند. این مربوط به مواضع واقعی دو کشور در بحران سوریه است. در عین حال، احتمال تغییر موضع آن‌ها کم است، زیرا برای ترکیه، اگر اهداف ایران در سوریه محقق شود، مرزهای جنوبی ترکیه ممکن است تحت کنترل ایران باشد. علاوه بر این، برای ایران، اگر اهداف ترکیه در سوریه غالب شود، قابلیت مانور ایران در منطقه به شدت کاهش خواهد یافت و ایران قابل‌اعتمادترین متحد خود یعنی بشار اسد را از دست خواهد داد. از این رو، آن‌ها در بحران سوریه عقب‌نشینی نمی‌کنند و این امر به احتمال زیاد غالب خواهد شد مگر اینکه یک پویایی جدید در دوره بحرانی رخ دهد که بر ترتیب اولویت ترکیه و ایران تأثیر بگذارد. با توجه به این نکات، تبادل نش در مدل به منزله اثبات این نتیجه‌گیری است. با این ویژگی، این مطالعه با پژوهش‌های دیگر در مورد موضوع متفاوت است. این بدان معنی است که این مطالعه نه تنها نتایج مبتنی بر سخنان رهبران و سیاست‌های واقعی حکومت‌ها را ترسیم می‌کند، بلکه با ارائه اثبات این نتایج از طریق چارچوب تحلیلی مدل‌سازی نظری بازی، از این آثار فراتر می‌رود.

یادداشت

۱. رویکرد نظری بازی شاخه‌ای از نظریه انتخاب عقلانی است؛ بنابراین، استدلال‌های پیرامون نظریه انتخاب عقلانی برای رویکرد نظریه بازی نیز معتبر است.

۲. RCD یک سازمان چند ملیتی بین ترکیه، ایران و پاکستان برای توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورهای عضو تأسیس شده است. در سال ۱۹۸۵ سازمان همکاری اقتصادی جایگزین آن شد.
۳. پ. ک. ک. یک سازمان تروریستی است که ترکیه را هدف قرار می‌دهد. هدف آن ایجاد یک دولت کردی در جنوب شرقی ترکیه است. ترکیه مدعی است که جمهوری اسلامی از پ. ک. ک. حمایت می‌کند تا از نفوذ ترکیه در منطقه بکاهد.
۴. علوی‌ها یک گروه مذهبی برجسته در سوریه هستند. آنها پیرو شاخه‌ای از مکتب دوازده امامی شیعه هستند.
۵. نخبگان سنی عرب، هلال شیعی را تلاشی از سوی ایران می‌دانند، اولاً برای درگیر کردن توده‌های منطقه و ثانیاً برای ایجاد کمربند ایدئولوژیک از دولت‌ها و جناح‌های سیاسی هم‌دل شیعی در عراق، سوریه، لبنان و ایران و منطقه خلیج فارس؛ و سوم، گسترش نقش و قدرت منطقه‌ای خود.
۶. راهبردهای غالب به یک اقدام یا راهبردهایی اشاره دارد که بدون توجه به راهبردهای بازیکنان دیگر بهینه است. اگر هر دو بازیکن راهبردهای مسلط داشته باشند، مدل با تعادل راهبرد غالب خاتمه می‌یابد.
۷. تعادل نش راهبرد خالص یک عمل با این ویژگی است که هیچ بازیکن واحد نمی‌تواند بازده بالاتری را با انحراف یک جانبه به دست آورد.

فهرست منابع

- احمدی پور و همکاران (۱۳۹۸). "واکاوی رقابت ایران و ترکیه در بحران سوریه" فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، شماره ۵۵، دوره ۱۵.
- بلوچیان و همکاران (۱۳۹۷). "اهمیت رویکرد نظریه بازی در مدل‌سازی" فصلنامه علمی پژوهشی فرماندهی و کنترل، شماره ۱، دوره ۲.
- شریفیان و همکاران (۱۳۹۱). "تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه" نشریه علمی امنیت پژوهی، شماره ۳۸، دوره ۱۱.
- شهبازی و همکاران (۱۳۹۸). "تأثیر روابط ایران و ترکیه بر روند همگرایی در خاورمیانه" فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار، ۱۳۹۸، صص ۱۶۵-۱۸۹.
- غائبی محمد رضا (۱۳۹۵). "اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه" فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، دوره ۳۰.
- Altunışık, Meliha Benli (2010). "Turkey's Changing Middle East Policy". UNISCI Discussion Papers (23): 149-162
- Çağatay, Soner (2018). "Turkish-Iranian Rivalry Redux". The Washington Institute. <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/turkish-iranian-rivalry-redux>
- Çetinsaya, Gökhan (2003). "Essential Friends and Natural Enemies: The Historic Roots of Turkish Iranian Relations". Middle East Review of International Affairs 7 (3): 116-132.
- Demiryol, Tolga (2013). "The Limits to Cooperation Between Rivals: Turkish-Iranian Relations Since 2002". Ortadoğu Etüdüleri 3 (2): 111-144.
- Fearon, James and Alexander Wendt (2002). "Rationalism v. Constructivism: A Skeptical View". Handbook of International Relations. Eds. Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth A. Simmons. London: SAGE Publications.
- Güner, Serdar (2003). "Oyun Kuramı ve Uluslararası Politika". METU Studies in Development 30 (2): 163-180
- Jenkins, Gareth H. (2012). "Occasional Allies, Enduring Rivals: Turkey's Relations with Iran". Silk Road Paper.
- Kurki, Milja and Colin Wight (2010). "International Relations and Social Science". International Relations Theories: Discipline and Diversity. Eds. Tim Dunne, Milja Kurki and Steve Smith. Oxford: Oxford University Press.
- Keskin, Arif (2009). "İran-Türkiye İlişkilerine Genel Bir Bakış". 21. Yüzyıl Dergisi 12: 45-54.
- Kardaş, Şaban (2012). "Turkey's Syria Policy: The Challenge of Coalition Building". The German Marshall Fund on Turkey Series.
- Larrabee, F. Stephen and Alireza Nader (2013). "Turkey-Iranian Relations in a Changing Middle East". RAND Cooperation Research Report Series.
- McCurdy, Daphne (2008). "Turkish-Iranian Relations: When Opposites Attract". Turkish Policy Quarterly 7 (2): 87-106.
- Miş, Nebi. "Suriye 2007". Ortadoğu Yılığ 2007. Eds. Kemal İnat, Muhittin Ataman ve Murat Yeşiltaş. İstanbul: KüreYay.

- Pappalardo, Massimo (2008). "Multiobjective Optimization: A Brief Overview". Pareto Optimality, Game Theory and Equilibria. Eds. Altannar Chinchuluun et al. New York: Springer Science-Business Media.
- Sterling-Folker, Jennifer (2006). "Game Theory Approaches". Making Sense of International Relations Theory. Ed. Jennifer Sterling-Folker London: Lynne Eienner Publishers.
- Sandıklı, Atilla ve Ali Semin (2014). "Bütün Boyutlarıyla Suriye Krizi ve Türkiye". Ortadoğu'da Değişim ve Türkiye. Eds. Atilla Sandıklı ve Erdem Kaya. İstanbul: Bilgesam Yay.
- Turocy, Theodore L. and Bernhard von Stengel (2001). "Game Theory". CDAM Research Report LSE- CDAM- 2001-09

